

یادداشت

زندگی در شرایط ناپایدار



علی میرزامحمدی
جامعه‌شناس

چندی است دربارهٔ بسنده کردن به توافق‌های سیاسی موقت بین ایران با دیگر کشورها و مزایای نسبی آن برای گشایش‌های اقتصادی و معیشتی مردم صحبت می‌شود. واقعیت این است که ایرانیان در طول دهه‌های گذشته یاد گرفته‌اند که پایداری‌های اقتصادی جامعه ایران موقتی است و آنها «کوش به زنگ» ناپایداری‌هایی هستند که در آینده، زندگی فردی و اجتماعی آنها را تهدید خواهد کرد. این ناپایداری‌ها فقط به این دوره اختصاص ندارد و از سنتی دیرین برخوردار است. سنتی دیرین که بر اساس آن کاتوزیان در نظریه «ایران، جامعه کوتاه مدت» معتقد است مجموعه شرایط و تحولات تاریخی، ویژگی‌ای را در تاریخ و جامعه ایران ساخته که نتیجه آن نامشخص بودن آینده است. پرسش کلیدی این نوشتار آن است که این ناپایداری‌ها چه نتایجی در ساختار زندگی اجتماعی به همراه داشته است. در این نوشتار به این آثار و نتایج زندگی خواهیم پرداخت. برهم خوردن ساختار طبقاتی جامعه، توزیع نامتوازن «آثار زندگی در شرایط ناپایدار» موجب شده است برخی اقشار اجتماعی با سوءاستفاده از این وضعیت، در میدان رقابتی نابرابر، پایگاه اجتماعی خود را ارتقا دهند، رشد تازه به دوران رسیده‌ها یا نوکسبه‌ها که بدون پشتوانه صحیح با زحمت متناسب با نتیجه، به مال یا مقامی می‌رسند نتیجه ناپایداری جامعه ایران است که آثار منفی زیادی بر جامعه بر جای می‌گذارد. از جمله، انگیزه دست یافتن به اهداف ارزشمند از راه‌های قانونی و شرعی را تضعیف می‌کند و افراد را به جست‌وجوی میانبرهای غیرقانونی دستبایی به قدرت، ثروت و وجهه اجتماعی تشویق و ترغیب می‌کند. یکی از عوامل تأثیرگذار در این میان آن است که شرایط ناپایدار جامعه تعادل بین افراد پرمهمنند از هوش و استعدادها متفاوت را به نفع آنهایی که بهره هوش اقتصادی یا سواد اقتصاد سیاسی بالاتری دارند به هم می‌زند. اینچنین افرادی می‌دانند در شرایط سیاسی و اجتماعی ناپایدار، سرمایه خود را چگونه جایجا کنند تا در این آشفتگی‌ها سود بیشتری نصیب آنها شود. اما از سوی دیگر، اقشاری که از چنین دانش و بهره هوشی بهره‌مند نیستند یا فرصت و علاقه‌ای به این جایجایی‌های سرمایه‌ای ندارند در ساختار طبقاتی به طبقات پایین‌تر جامعه سقوط می‌کنند. افزایش ورشکسته‌ها و مال باختگان معاملات از جمله بورس و سقوط اقشار متوسط جامعه که مهم‌ترین سرمایه آنها سرمایه فرهنگی است به زیر خط فقر، نتیجه این ناپایداری است. خروج سرمایه: شرایط ناپایدار جامعه موجب خروج سرمایه در شکل‌های مختلف آن می‌شود. سرمایه در جایی که شرایط پایدار باشد مستقر می‌شود. متأسفانه با شرایط ناپایدار هم سرمایه انسانی و هم سرمایه اقتصادی کشور به دیگر کشورها سرازیر می‌شود. واژگونی ارزش‌های اجتماعی: با الهام از نظریه اینگلهارت شرایط ناپایدار جامعه موجب می‌شود ارزش‌هایی که با بقا و زیست ارتباط بیشتری دارند در صدر قرار بگیرند و ارزش‌های فرامادی به حاشیه رانده شوند. دغدغه مردم در هرم نیازهای مختلف از سطوح بالا به سطوح پایین تنزل می‌یابد، به این معنا که مردم از دغدغه آزادی مطبوعات در دولت اصلاحات، به دغدغه‌هایی چون قیمت حامل‌های انرژی مانند بنزین در دولت اعتدال و قیمت مرغ در دولت فعلی نزول کرده. بنابر عقیده «لنسنکی» جامعه‌شناس آمریکایی در جوامعی که دغدغه «زندگی برای غذا» وجود دارد، اندیشه و رؤیاهای آنان پیرامون غذا سیر می‌کند. گرایش‌های اقتصادی دامنه محدودی پیدا می‌کنند و دل‌مشغولی‌های آن‌ها به رفع نیازهای معیشتی در حال و یا آینده نزدیک محدود است. این چنین نظام‌های معیشتی، مانع گسترش مشاغل تخصصی، رشد ایده‌ها و خلاقیت‌ها می‌شوند. تقلا در این سطح، توان اندیشه برای تعلق خاطر و عزت‌نفس را از افراد گرفته و آنها دیگر به دنبال ایده‌های خلاقانه نیستند. افزایش جرایم و آسیب‌های اجتماعی: رشد جرایم و آسیب‌های اجتماعی در نتیجه شرایط ناپایدار از یک طرف، ریشه در تزلزل نظام‌های معنابخش زندگی و تضعیف ارزش‌های اجتماعی و حتی واژگونی آنها دارد و از طرف دیگر با برهم خوردن ساختار طبقاتی جامعه در ارتباط است. در شرایط ناپایدار، نظام‌های معنابخش دچار تزلزل می‌شوند چرا که دیگر نمی‌توانند روحیات آدم‌ها را با جهان‌بینی آنها هماهنگ کنند. تجربه نابرابری که نتیجه آن در برهم خوردن ساختار طبقاتی جامعه و رشد نوکسبه‌ها ظاهر می‌شود خود به این پدیده دامن می‌زند. شرایط ناپایدار، درک از مفهوم آینده را دچار اختلال می‌کند. دشواری دست یافتن به ارزش‌های مادی و معنوی، با تشدید تجربه سرگردانی، به رشد جرایم و آسیب‌های اجتماعی در جامعه کمک می‌کند.

خبر

ممنوعیت ورود چند مقام ایرانی

به نیوزیلند

دولت نیوزیلند هم‌استا با رویکرد خصمانه غرب علیه ایران به دلیل آنچه نقض حقوق بشر عنوان کرده است، چند مقام ایرانی را هدف تحریم‌های خود قرار داد. ناایا ماهوتا، وزیر امور خارجه نیوزیلند با انتشار پیامی در حساب رسمی خود در توئیتر اعلام کرد که این کشور چند مقام ایرانی دیگر را تحریم کرده است که بر اساس این افراد دیگر قادر به ورود به خاک نیوزیلند نخواهند بود. در این پیام آمده است که دولت نیوزیلند به دلیل آنچه نقض حقوق بشر در ایران عنوان کرده است، ممنوعیت سفر به این کشور را علیه ۱۸ مقام ایرانی صادر کرده که در مجموع تعداد مقامات ایرانی که دیگر امکان ورود به خاک نیوزیلند را نخواهند داشت به ۵۵ نفر رسیده است. خاتم ماهوتا در ادامه پیام ضد ایرانی خود از جمهوری اسلامی ایران خواسته است تا دست از آنچه ادعا کرده سرکوب معترضان در ایران انجام می‌شود، بردارد. دولت نیوزیلند سال گذشته در پی بروز برخی ناآرامی‌ها در کشور اعلام کرد که ۲۷ مقام ایرانی را تحریم کرده است.

احمد خرم در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

ناامیدی مردم نسبت به جریان اصلاحات اساسی نیست



جریان اصلاحات در کادر سازی و آگاهی بخشی تداوم نداشت

جریان اصلاحات دچار جبر تجربه گرایی شده است

ملاک قضاوت مردم درباره اصلاح طلبان دولت اصلاحات است

جریان اصلاحات از سرمایه‌های خود به خوبی استفاده نکرد



باز خوانی ۳۰ خرداد به روایت محمد عطر یانفر

مرزبندی بنی صدر بعد از انتخابات ریاست جمهوری جدی شد

مقطع تاریخی ما دو یا سه نهاد خبررسانی مهم در کشور داشتیم که دو مورد آنها یعنی روزنامه اطلاعات و روزنامه کیهان منکوب بود و یکی هم صدا و سیما بود. در آن مقطع تاریخی و قبل از سال ۶۰، چون قانون مشخصی نداشت، ناخواسته یا خواسته و یا طبق توافقی مسئولیت اداره صدا و سیما بر عهده رئیس جمهور وقت گذاشته شد. آقای بنی صدر هم شخصی به نام آقای دکتر فراهی را مأموریت دادند که مدیرعامل صدا و سیما باشند. آقای فراهی یکی از دوستانشان به نام آقای دکتر مبلغی اسلامی را دعوت به کار کردند و ایشان قائم مقام صدا و سیما شد. صدا و سیما دو بخش شبکه یک و شبکه دو داشت. شاید شبکه دو در طول روز سه چهار ساعت بیشتر تولید و پخش برنامه نمی‌کرد و از ساعت چهار بعد از ظهر تا هشت شب بیشتر نبود. اما شبکه یک از ساعت ۱۱ صبح شروع می‌شد و تا ۱۱ شب، ۱۲ ساعت برنامه داشت. البته برنامه‌های هر دو شبکه در دو بخش کاملاً متفاوت و مجزا تقسیم شده بود؛ بخشی پخش برنامه‌های آرش بود یا خرید و پخش می‌کردند و بخش تولیدی از عملاً خبر بود و بخش خبر بخش خیلی مهمی در صدا و سیما بود. کیهان و اطلاعات که وضعیتش روشن بود و چون در اختیار مدیریت نظام قرار گرفته بود، نمایندگانی از طرف حضرت امام(ره) آنجا منصوب شده بودند؛ آقای داعی و جناب آقای خاتمی، صدا و سیما یک نهاد دولتی و در اختیار رئیس جمهور وقت بود. آقای بنی صدر هم بعد از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری مرزبندی جدی پیدا کرد و بیشتر منویات خودش را دنبال می‌کرد. جمع بندی آقای بنی صدر هم این بود که بخش مهم صدا و سیما، بخش خبر و حوزه سیاسی است. حوزه سیاسی آنجا را در اختیار جناب آقای دکتر احمد سلامتیان قرار داده بود. آقای دکتر احمد سلامتیان اگرچه نسبت تنگاتنگی با بنی صدر نداشت، ولی به دلیل سابق تاریخی و فعالیت‌هایی که در دنیای غرب داشت و مشخصاً در سورین فرانسه هم درس خوانده و آدم هوشیاری هم بود، مناسب‌ترین فرد تشخیص داده شده بود. تصور می‌کنم به موازات آقای دکتر فراهی و مبلغی اسلامی، آقای احمد متوسلیان هم به عنوان معاون سیاسی صدا و سیما منصوب و مأمور به کار شد. آقای احمد سلامتیان، آن طوری که مورد انتظار بود برای نظام سیاسی ایران سخنگوی نمی‌کرد. و در واقع منویات خودش با آقای بنی صدر را تعقیب می‌کرد و این رویکرد و رفتار آقای سلامتیان مورد رضایت نبود و حضرت امام (ره) هم علاقه‌مند نبودند که این سیاست آنجا حاکم باشد. البته حاج احمد آقا با ایشان ارتباط داشت و تذکر هم می‌داد ولی خیلی ایشان سخنی را رعایت نمی‌کرد، من به اعتبار آشنایی که با ایشان داشتم و هر از چندی هم ایشان را می‌دیدم و آن مقاطع در مقام نقد هم بودیم، سیاست خاص خودش را داشت و همه هم می‌دانستند که

چرا جریان‌های سیاسی و به خصوص جریان اصلاحات دیگر مانند گذشته در معادلات اجتماعی و سیاسی تأثیر گذار نیستند؟ ابتدا باید مشخص کنیم که رسالت جریان‌های سیاسی چیست و جریان‌های سیاسی در ایران یا توجه به چه اهدافی ایجاد شده است. این مسأله درباره جریان اصلاحات نیز وجود دارد. آیا رسالت جریان‌های سیاسی مانند جریان اصلاحات تنها تکیه زدن به مواضع قدرت است یا رسالت دیگری برای خود تعریف کرده است. در قدرت بودن یکی از اهداف جریان‌های سیاسی است و نه تمام آن. اگر یک جریان سیاسی همه اهداف و برنامه‌های خود را معطوف به کسب قدرت کند هنگامی که به قدرت تکیه زد فرصت جولان پیدا می‌کند، اما هنگامی که به هر دلیلی از قدرت جدا ماند در مسیر اضمحلال و فروپاشی قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی حامیان اجتماعی این جریان سیاسی دچار یأس و ناامیدی خواهند شد و احساس شکست می‌کنند. با این وجود اگر جریان‌های سیاسی به صورت همه جانبه حرکت کنند و هدف‌های مختلفی را در نظر داشته باشند با پایداری بیشتری در جامعه فعال می‌شوند و کمتر دچار ناامیدی و خسران می‌شوند. اولین رسالت یک جریان سیاسی سازمان‌دهی مردم است. این در حالی است که جریان‌های سیاسی در ایران یا قائل به این رسالت نیستند یا قائل هستند اما انجام نمی‌دهند. به همین دلیل نیز اعضای یک جریان یا جناح سیاسی رها هستند و هر کسی «ساز خود را می‌زند». رسالت دوم که از رسالت اول مهم‌تر است و رسالت اول برای رسیدن به این هدف تلاش می‌کند «آگاهی بخشی» به مردم است. دلیل اصلی اینکه یک پوپولیست یا شعارهای هیجانی مردم را به این سو و آن سو می‌کشاند عدم آگاهی است. اگر آگاهی وجود داشته باشد پوپولیسم موفق نخواهد شد. هنگامی که آگاهی در بین مردم وجود نداشته باشد براساس شایعه‌ها عمل می‌کنند و به همین دلیل امکان جهت‌دهی آنها به هر سویی وجود خواهد داشت. به همین دلیل جریان‌های

عدم تمرکز نه عمودی تقسیم تمرکز به صورت است که قدرت پیدا کند. در این قدرت خود را به و مدیر ادارات تفویض اخت رویکرد به عهده برده می‌شود به معنای آنت به «صف» اس و استقلال و پو خواهد شد و بیشتری برای پردازی و حرکت

واقعیت امر انقلاب یک چیز است و سخنگوی، ارائه و ترویج آن چیز دیگری است و این جنبه بسیار مهم است و در کنارش باید توجه کرد. اگر بخواهم خاطره‌ای را یادآوری کنم، خود حضرت امام در مقاطع گذشته خیلی حساس بودند که اگر یک روز یک برنامه‌ای از این نهاد سخنگوی حکومت، که صدا و سیما باشد، در اختیار باشد می‌توانیم چنین و چنان کنیم. لذا ذهنیت پیشینی مثبت داشتند که آنجا جای مهمی است و باید به آن توجه کرد. مجموعه رویکرد انتقادی و اصلاحی بیت حضرت امام، مشخصاً شخص حاج احمد آقای خمینی و بخش سیاسی صدا و سیما و شخص آقای احمد سلامتیان راه به صواب نبرد و به توافقی دست پیدا نکرد. فردی که حاج احمد آقای خمینی برای جایگزینی آقای احمد سلامتیان گزینش کرده بودند، آقای حسین طارمی بود. آقای حسین طارمی شخصیت روحانی بود که ملبس به لباس روحانیت نبود اما به هر حال مورد احترام و معتمد حاج احمد آقا بود. در یک اتفاق بی‌نظیر و غیرمنتظره‌ای حکمی از طرف حضرت امام برای آقای حسین طارمی به عنوان معاونت سیاسی صدا و سیما صادر و به ایشان ابلاغ می‌شود که در صدا و سیما به جای آقای سلامتیان مستقر شود. ایشان آنجا مستقر و آقای احمد سلامتیان هم آن مجموعه خارج می‌شود. جناب آقای طارمی، اگر چه معتمد حاج احمد آقا بود ولی ظاهراً بعد از یکی دو هفته حاج احمد آقا احساس کرد این حس وجود ندارد که بتواند یک تسلط کافی پیدا و در واقع منویات زمانه را دنبال کند. تصورشان بر این شد که باید آنجا را تقویت کرد. از این جهت حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله نوری گزینش تقویتی برای آقای طارمی و دعوت به کار شدند.

